



قواعد درس پنجم- دهم

انواع جمله

۱- جمله‌ی فعلیه:

جمله‌ای است که با **فعل** شروع می‌شود. ← لا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ.

• ارکان جمله‌ی فعلیه:

○ **فعل:** کلمه‌ای است که بر انجام دادن کاری یا داشتن حالتی در یکی از زمان‌ها دلالت دارد.



• أَنْشَدْتُ قَصِيدَةً حَوْلَ الْأُمِّ. قصیده‌ای در مورد مادر سرودم.

• تَعِيشُ السَّمَكَةُ فِي الْمَاءِ. ماهی در آب زندگی می‌کند.

• أَنْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ: بنگرید که چگونه آفرینش را آغاز کرد.

○ **فاعل:** اسمی مرفوع (**انِ وَنَ**) که انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.



• تَعَجَّبَ الْمَدْرَسُ مِنْ كَلَامِ الطَّالِبِ. معلم از سخن دانش‌آموز تعجب کرد.

فاعل فعل

نکات مهم

۱- هر فعل به تنهایی **یک جمله فعلیه** بحساب می آید (هر فعل فقط یک فاعل دارد) (تعداد جملات فعلیه = تعداد فعل جمله)

بکتابان (فعل مع فاعله جمله فعلیه)

۲- **فاعل هرگز قبل از فعل خود نمی آید.** **الْغَوَاصُونَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ**

۳- فعل باید با فاعل **از نظر جنس** مطابقت کند

۴- فاعل **مرفوع** است (ان - ون) **طَبَخَتْ وَالِدَةٌ سَعِيدٍ طَعَامًا لَذِيذًا**

۵- فعل اول جمله **صیغه های غایب مفرد** می آید ولی با توجه به فاعل ترجمه همیشه: **ذهب** الغواصون : غواصان رفتند

۶- **افعال ناقصه** (کان - لیس - صار - أصبح) **هرگز فاعل و منقول و نائب فاعل** ندارند. **کان الطالب موقفاً** (الطالب: فاعل کان=غ)

۷- **فعل مجهول فاعل** ندارد: **كُتِبَ الدرسُ (الدرسُ: فاعل = غ)**

۸- **فاعل می تواند اسم اشاره / اسم موصول و... باشد.** **تطبخُ هذه الامُّ غذاءً في البيت**

○ **مفعول:** اسمی است منصوب (**بَينَ بَينَ**) که معمولاً پس از فاعل می آید و کار بر روی آن واقع می شود.

خَلَقَ اللهُ الْإِنْسَانَ. خداوند انسان را آفرید.
فعل فاعل مفعول

نکات مهم

۱- مفعول تنها در جمله‌هایی می‌آید که فعل آن مفعول‌پذیر (گذرا- متعدی) باشد. أنزل الله

القرآن

۳- مفعول می‌تواند به شکل ضمیری به فعل متصل شود. ضمایر: (ه-ها-هم-ها-هما-هن-ک-کما-

کم-ک-کما-کن-ی-نا) هرگاه به فعل متصل باشند مفعول هستند. أعطیناهم هدیةً ولكن رَفُضواها

۴- هرگاه دو ضمیر به فعل بچسبند حتماً اولی فاعل و دومی مفعول به است.

۵- مفعول می‌تواند قبل از فاعل و حتی قبل از فعل هم بیاید. ينصره المعلمُ في الدرس (ه : مفعول به) - مَنْ رأيت؟

(مَنْ: مفعول به)

بیشتر بدانیم

ضمیر «نا / ی»

۱- آخر فعل امر و مضارع صد در صد مفعول به است. ينصرنا الله - أنصرنا

۲- آخر فعل ماضی: (الف) اگر قبل از «نا» ساکن باشد (ماضی متکلم مع الغير صد در صد فاعل)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا موسى بآياتنا

(ب) آخر بقیه فعلهای ماضی صد در صد مفعول به است:

نَصَرْنَا الله

۱- تنها آخر فعل بیاید = فاعل أنصرتي (ی: فاعل)

۲- ن + ی = (ی: مفعول به است) أنصرتي (ی: مفعول به)

۲- جمله اسمیه:

جمله‌ای که با **اسم** شروع می‌شود. النَّاسُ نِيَامٌ.

• ارکان جمله اسمیه: (مبتدا + خبر)

○ **مبتدا:** اسمی مرفوع که در ابتدای جمله می‌آید و درباره‌ی آن خبری گفته می‌شود.

أَنْتُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ
ب
مبتدا

ذَلِكَ كِتَابٌ مَّفِيدٌ.
ب
مبتدا

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ.
ب
مبتدا



خبر: کلمه یا جمله‌ای است که درباره‌ی مبتدا خبری می‌دهد.

لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِالْعُدَدِ.
ب
مبتدا
ب
خبر
زبان گربه پر از غده‌ها است.

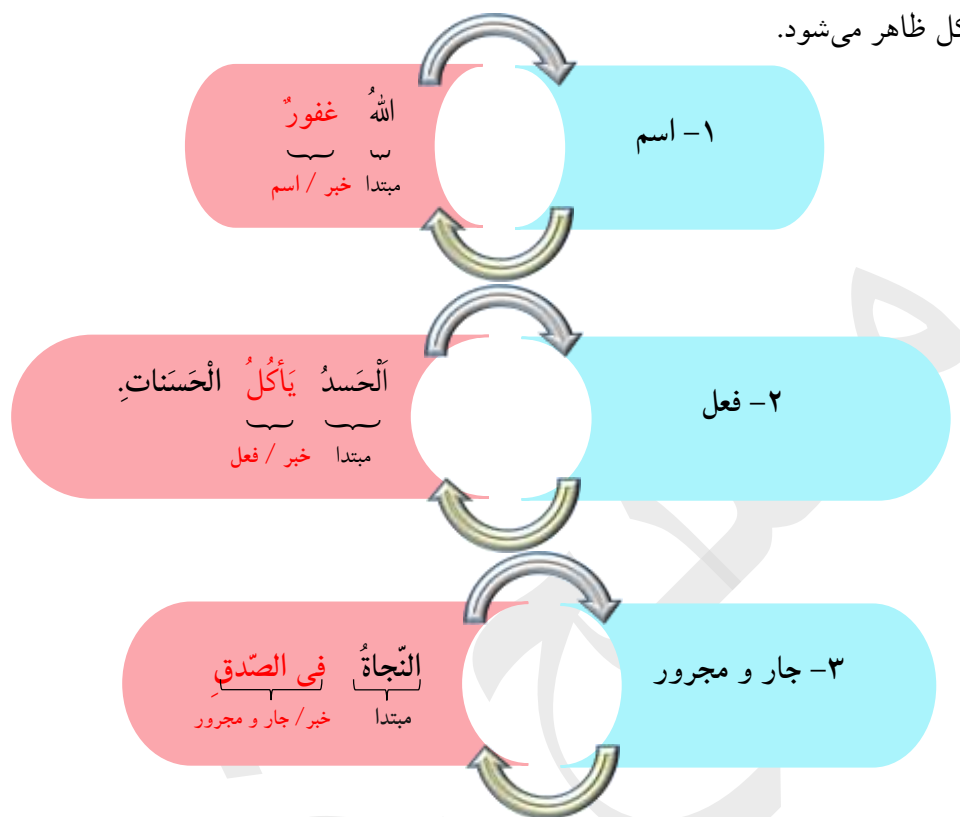
هَذِهِ الظَّاهِرَةُ تَحَدَّثُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ.: این پدیده در سال دو بار رخ می‌دهد.
ب
مبتدا
ب
خبر

الْفَخْرُ بِالْأَدَبِ لَا بِالنَّسَبِ
ب
مبتدا
ب
خبر



بیشتر بدانیم:

خبر به سه شکل ظاهر می شود.



۱) جار و مجرور هم در جمله اسمیه و هم فعلیه می آید.

*** جار و مجرور / قیدهای زمان و مکان + اسم = جمله اسمیه :
 للدلائین انوف حادّة

*** جار و مجرور / قیدهای زمان و مکان + فعل = جمله فعلیه:
 في المدرسة طالعت الدروس

جیداً

۲) جار و مجرور اول جمله + اسم نکره = آن جار و مجرور خبر نام دارد (خبر مقدم)
 للبطة غدة

۳) مبتدا و خبر و نیز فاعل و مفعول در جمله یک کلمه هستند و می توانند صفت یا مضاف الیه بگیرند؛

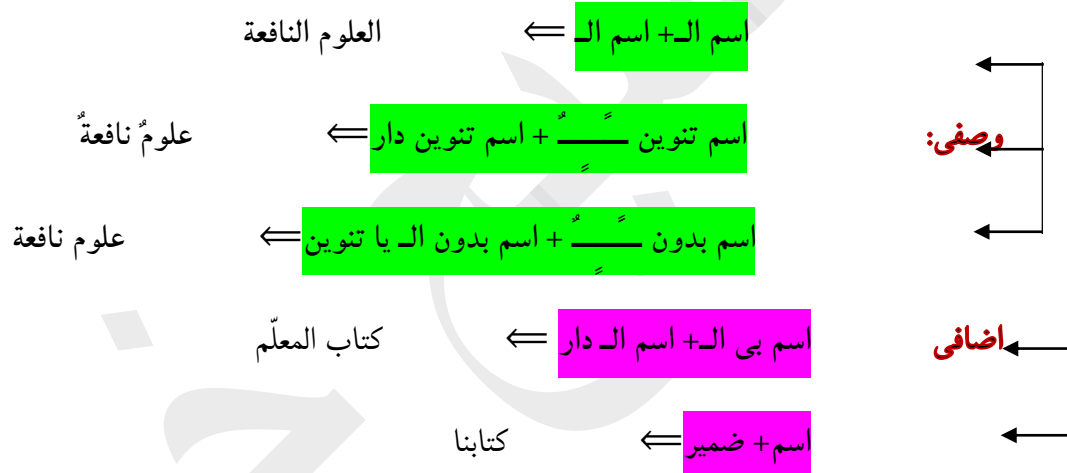


ترکیب وصفی / اضافی

(۱) ترکیب اضافی ← مضاف + مضاف الیه = صاحبُ البیتِ

(۲) ترکیب وصفی ← موصوف (منعوت) + صفت (نعت) = الحدیقة الجمیلة

راه تشخیص ← ۱- از طریق معنا ۲- از طریق علامت (بدون معنا)



نکته مهم: اسم مضاف هرگز (ال) یا تنوین (ـِ) یا نون مثنی و جمع (ن) نمی‌گیرد.

الکتابک (غ) الکتاب (غ) کتابان الطالب (غ)

* نکته خیلی مهم: ترکیب‌های مشترک وصفی / اضافی

گاهی یک اسم هم مضاف الیه دارد و هم صفت دارد.

فارسی ← اسم + صفت + مضاف الیه = خانه بزرگ تو

عربی ← اسم + مضاف الیه + صفت ← بیتک الكبير

کیف بزرگ تو ← شیاناً المسلمون ←

نکته ۱: مضاف الیه همیشه مجرور است باب البیت

۲) مضاف الیه می تواند اسم خاص / اسم (ال) دار / ضمیر متصل یا اسم اشاره باشد.

قلمُ هذا التلميذ (قلم این دانش آموز) کتابُ علیّ (کتاب علی) + قلمُک (قلم تو)

فارسی: اسم + صفت + مضاف الیه

عربی: اسم + مضاف الیه + صفت

انگشتر طلائی اش
تکالیف درسی اش
جنگلهای سبز مازندران

خاتمها الذهبی
واجباته المدرسیّة
غابات مازندران الخضراء